

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران اسال دوازدهم، شماره ۲۲، پائیز و زمستان ۹۶، ۴۳-۶۷

عوامل اجتماعی موثر بر تمایل به مهاجرت جوانان روستایی با تاکید بر نقش تعلق به مکان*

ولی‌اله رستمعلی زاده^۱

علی قاسمی اردهایی^۲

چکیده

از دغدغه‌های مهم جوانان روستایی این است که آیا باید در منطقه روستایی خود بمانند و یا جای دیگری را برای زندگی و محل کار خود انتخاب نمایند؟ شرایط و عواملی آنها را ترغیب به رفتن و شرایطی ترغیب به ماندن می‌کند. بنابراین، سوال اصلی مقاله این است که عوامل اجتماعی موثر بر مهاجرت جوانان روستایی چیست و آیا تعلق به محل زندگی می‌تواند در ماندگاری جوانان روستایی موثر باشد؟ در این تحقیق با استفاده از روش پیمایش، ۸۰۰ جوان ساکن در روستاهای شهرستان‌های هشترود و اسکو مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که تعلق به مکان، کیفیت زندگی، سرمایه‌گذاری در مکان، رضایت از زندگی، درآمد و تحصیلات

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "نقش تعلق به مکان در تمایلات و نیت جوانان روستایی استان آذربایجان شرقی بر ماندگاری در محل سکونت‌شان" است که در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.

۱ استادیار جامعه‌شناسی توسعه، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، (نویسنده‌ی مسئول)

v.rostamalizadeh@gmail.com و vali.rostamalizadeh@psri.ac.ir

۲ استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ghasemi33@yahoo.com

راهنمایی تاثیر منفی بر ترک روستا و متغیرهای مجرد بودن، داشتن عضو مهاجر در خانواده، تحصیلات دانشگاهی و نداشتن شغل تاثیر مثبت بر مهاجرت از مناطق روستایی دارند. تعلق به اجتماع روستایی می‌تواند به عنوان یک بازدارنده قوی و طولانی مدت در زمینه مهاجرت جوانان از روستا عمل نماید. باتوجه به همبستگی بالای تعلق به اجتماع محلی با میزان‌های مشارکت، مسئولیت‌پذیری و درنهایت سرمایه‌گذاری محله‌ای، این عامل اجتماعی نتایجاً می‌تواند منجر به بهره‌وری اقتصادی گردیده و در بهبود امورات اقتصادی و وضعیت رفاهی روستاها عامل بسیار موثری محسوب شود.

واژگان کلیدی: تعلق به مکان، ماندگاری جوانان روستایی، مهاجرت از روستا، کیفیت زندگی، سرمایه‌گذاری در مکان.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از سوالات و چالش‌های اساسی جوانان در اکثر نقاط روستایی جهان این است که آیا باید در منطقه محل زندگی خود بمانند و یا برای رفتن برنامه‌ریزی کنند (هنری و کلوپ^۱، ۲۰۰۴؛ تیسین و همکاران^۲، ۲۰۱۰). این پرسش که "در منطقه محل زندگی‌م/ زادگاهم آیا باید بمانم یا باید ترک کنم؟" تنها یکی از پرسش‌هایی است که آنها در هنگام رسیدن به سن بلوغ با آن مواجه می‌شوند. ماندن در منطقه‌ای که در آن به دنیا آمده‌اند دیگر یک نتیجه منطقی یا چیز عادی نیست، بلکه نتیجه یک تصمیم در فرایند زندگی فردی^۳ است (گاراسکی^۴، ۲۰۰۲؛ مولدر^۵، ۲۰۰۳). این سوال و چالش، دلایل زیادی دارد اما از مهمترین دلایل آن ادامه تحصیل و یافتن شغل مناسب برای جوانان روستایی است. پس، به گونه‌ای تحرک اجتماعی یکی از اولین دلایل این سوال و چالش است. لاجرم تحرک اجتماعی در محیط‌های روستایی نیز با تحرک

1 Hendry and Kloep

2 Thissen

3 individual life course decision

4 Garasky

5 Mulder

جغرافیایی همراه است. پس فرد برای تحرک اجتماعی نیاز به تحرک جغرافیایی دارد و باید مسافت روستا را تا شهر بپیماید. در کنار این، فرایند تحصیلات به خودی خود چشم‌انداز دنیای جدید را به روی جوان روستایی می‌گشاید و فرد جوان با سبک‌ها و ایده‌های جدید زندگی آشنا می‌شود که شاید نتواند در محیط روستایی به آن دسترسی پیدا کند یا نتواند به سهولت آنها را پیشه کند.

همانگونه که مشخص است، این سوال جوانان روستایی دو وجه دارد: (۱) آیا باید بماند و (۲) آیا باید مهاجرت کند؟ لذا شرایطی وی را ترغیب به رفتن و شرایطی ترغیب به ماندن می‌کند که اینگونه فرد دچار چالش می‌شود. در بحث ترغیب به رفتن، چنانچه گفته شد پیشران‌های تحصیلات و اشتغال در اولین سطح قرار دارند. افراد جوان دارای تحصیلات عالی به طور خاص تمایل به ترک مناطق روستایی دارند. سیاست‌گذاران در مورد این پدیده یعنی "فرار مغزها" نگران هستند و برون کوچی انتخابی جوانان برای تحرک اجتماعی را به عنوان تهدیدی برای توسعه اقتصادی و شهرت و اعتبار مناطق می‌بینند (استاکدال^۱، ۲۰۰۶). کلوپ و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که دلایل متعددی در پشت این برون کوچی (مهاجرت به بیرون) وجود دارد؛ اعم از فرصت‌های آموزشی یا آموزش‌های بهتر در شهرهای بزرگ، تصور چشم‌اندازهای شغلی بهتر، نارضایتی از سبک زندگی و سنت‌های روستایی، انگیزه‌های شخصی، شکل‌گیری هویت و عوامل اجتماعی دیگر که دخیل هستند (کلوپ و هنری، ۲۰۰۴: ۳۴).

مهاجرت جوانان روستایی پیامدهای مختلف و چندگانه‌ای برای جامعه روستایی دارد. این پیامدها در طیفی از پیامدهای منفی تا مثبت در نوسان هستند. مهاجرت گسترده باعث کاهش جمعیت، تغییر ترکیب سنی و جنسی جمعیت، کاهش رشد جمعیت (زنجانی، ۱۳۸۰، ۱۸۸) و در نتیجه کاهش نیروی جوان و نیروی کار روستایی می‌شود. این امر به نوبه خود موجب تخلیه روستاها از سرمایه‌های اجتماعی، جمعیتی، اقتصادی می‌شود که در زمره پیامدهای منفی مهاجرت جوانان از روستا قرار دارند. اما از جانب دیگر، مهاجرت جوانان روستایی باعث می‌شود استعدادهای این جوانان در جهانی بزرگتر بتوانند شکوفا شده و در پاره‌ای موارد،

مواهب این شکوفایی به روستاهای مبدأ نیز برمی‌گردد. اکثر جوانان روستایی تنها از طریق مهاجرت است که می‌توانند در محیط‌های علمی، تحقیقاتی و صنعتی کسب دانش و حرفه نموده و پایگاه اجتماعی-اقتصادی خود را ارتقاء بخشند. مسلم است که قسمت عمده‌ای از نوسازی بخش‌های زراعت، دامداری و باغداری و نیز عمومیت بخش‌های رفاهی، ارتباطی و اطلاعاتی مدرن در مناطق روستایی به واسطه رفتار مهاجرتی جوانان روستایی است که می‌تواند به سرانجام رسیده باشد.

ازجانب دیگر، ماندن جوانان روستایی نیز انگیزه‌ها و مشوق‌های خاص خود را دارد. احساس تعلق و وابستگی به خانواده، خویشان، دوستان و محل زندگی، در اولین اولویت عوامل ماندن جای دارند. کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، تصمیم‌گیری‌شان برای برنامه‌ریزی نقل مکان، مبتنی بر احساس رضایت کلی از اجتماع محلی و سطح تعلق به اجتماع محلی‌شان است (لانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). این احساس تعلق هم می‌تواند باعث سرمایه‌گذاری در روستا شود و هم در تصمیم‌گیری در ترک مکان‌های روستایی بوسیله جوانان هم دخیل باشد. همچنین، احساس تعلق در افراد می‌تواند برای مراقبت از محیط زندگی‌شان و همچنین برای اینکه به مکان‌های که برایشان معنی دارد^۲ یا برگردند و یا نزدیک به آن باقی بمانند، ایجاد انگیزه نماید (ترل^۳ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴۱-۱۴۰). زمانی که فردی حس تعلق اجتماعی خود را به منطقه سکونتش از دست می‌دهد، به آن مکان اهمیت نمی‌دهد و ناگزیر منطقه را ترک می‌کند و رابطه دوطرفه بین فرد و جامعه از بین می‌رود. با کاهش حس تعلق، روحیه منفعت طلبی شخص تقویت می‌شود و فرد فقط به منافع شخصی‌اش می‌اندیشد (ناطق پور، ۱۳۸۳). لذا "تعلق مکانی پایین، رغبت افراد را برای سرمایه‌گذاری در منطقه محل زندگی (برای مثال برای بهبود خانه‌هایشان) کم کرده و می‌تواند باعث ترک منطقه شود" (کریستاکوپولو^۴ و همکاران، ۲۰۰۱). بنابراین، تعلق به مکان^۵ جزو ویژگی‌هایی است که باعث می‌شود افراد با توجه به احساسات و عواطف و بستگی‌هایی که به مکان‌های خاصی دارند، در آن مشارکت کنند، سرمایه‌گذاری کنند

1 Long

2 meaningful places

3 Trell

4 Christakopoulou

5 attachment to place/ place attachment

و در جهت بهبود آن اقداماتی انجام دهند. این چشم‌انداز مورد بررسی نشان می‌دهد که مقوله مهاجرت جوانان روستایی فرایندی معمول و بدون دغدغه نیست. این جوانان همواره با دوره‌های انتخابی سخت در زندگی مواجه هستند و اثرات تصمیمات آنها هم برای جوامع روستایی و هم شهری عواقب بسیار بزرگی دارند. با انجام این تحقیق می‌توان برنامه‌های راهبردی و مدیریتی را هم برای مناطق روستایی و هم شهری در راستای بهره‌مندی مناسب از نیروی‌های فعال و خلاق جوانان روستایی اعمال نمود. با این تفاسیر، مسئله اصلی مقاله این است که عوامل اجتماعی مؤثر بر مهاجرت یا ماندگاری جوانان روستایی چیست و آیا تعلق به مکان محل زندگی می‌تواند در ماندگاری جوانان روستایی مؤثر باشد؟

چارچوب نظری

اگر چه مدل‌های متنوع زیادی برای فهم فرایندهای تصمیم‌گیری به مهاجرت وجود دارد، ولی مدل جاذبه و دافعه (لی، ۱۹۶۶) برای اکثر آنها پایه و اساس است (استیمسن و مینری، ۱۹۹۸). یعنی دافعه‌های سکونتی مکان مبدأ به همراه جاذبه‌های سکونتی مکان مقصد، انگیزه‌های مهاجرت را برای فرد فراهم می‌کند. با این حال، تجربه روانشناختی از تصمیم به ترک یک اجتماع محلی، تنها در نظر گرفتن مجزای رفتن یا ماندن نیست، بلکه هم دافعه و هم جاذبه در دو جهت بطور همزمان حضور دارند. پس، این روش دیگری برای تفسیر مدل جاذبه-دافعه از تصمیم‌گیری برای جابجایی اجتماع محلی است. حرکت پویایی^۲ بین دلایل ترک (به عنوان مثال عوامل دافعه همچون مشکلات اقتصادی، دسترسی خدمات) و دلایل ماندن (همچون روابط همسایگی و خویشاوندی) وجود دارد (پرتی^۳ و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۸-۲۲۷).

«دوره جوانی زمانی است که آرمان‌ها و آرزوهای آموزشی، شغلی و سکونتی توسعه یافته و اجرا می‌شوند. برای جوانان و بزرگسالان جوان، منابع و فرصت‌های دردسترس در اجتماع محلی یا فقدان آنها، در شکل دادن به آرمان‌های شغلی و سکونتی مهم هستند» (کوربت^۴، ۲۰۰۷، پانللی^۱،

1 Stimson & Minnery

2 dynamic movement

3 Pretty

4 Corbett

۲۰۰۲). علاوه بر این، آنها همچنین به خانواده، دوستان و اجتماع محل زندگی خود متعلق هستند (دمی و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۱۱). لذا کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، تصمیم‌گیری‌شان برای برنامه‌ریزی نقل و تغییر مکان، مبتنی بر احساس رضایت کلی از اجتماع محلی و میزان تعلقشان به اجتماع محلی است. عواملی که منجر به تغییر این وضعیت می‌شود؛ فرصت‌های شغلی، کسب و کار، درآمد و دسترسی به آموزش است (لانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۲: ۳).

تعلق به مکان و احساس به اجتماع محلی / حس محله‌ای شامل بسیاری از جنبه‌های روابط فردی- اجتماع محلی است. حس محله‌ای نشان دهنده پیوند عاطفی و همچنین داد و ستد همیاری^۳ در میان اعضای اجتماع محلی است (مک میلان و چاوایس، ۱۹۸۶). پس عوامل غیراقتصادی (یعنی تعلق به خانواده و مکان) همچنین در آرمان‌های سکونتی و تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی موثر است (براون، ۲۰۰۲؛ دی‌جانگ^۴، ۱۹۹۹؛ جانسون و همکاران^۵، ۲۰۰۵). تعلق دلالت به پیوند بین افراد و مکان‌ها دارد. خانواده و دوستان تمایل به پیوند افراد به اجتماع محلی‌شان دارند (پرتی و همکاران، ۲۰۰۶). بعلاوه، افراد تعلقات به مکان‌ها را به عنوان نتیجه تجارب زیسته‌شان در این مکان‌ها توسعه می‌دهند (دمی و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۱۳). یعنی محیط علاوه بر عوامل و شرایط نامساعد ساختاری چون «فقدان آموزش، اشتغال و فرصت‌های کسب و کار» (اورسوله^۶، ۲۰۰۲؛ کادوالدر^۷، ۱۹۹۲) که تحت عنوان دافعه‌های سکونتی است، عوامل و جاذبه‌هایی چون تعلق به مکان دارد. «بطوریکه جوانان روستایی با ایده‌آل‌های تحصیلی و شغلی بالاتر و با یک تعلق قوی به خانواده و مکان، به احتمال بیشتری دچار تنش شخصی در مورد تصمیم‌گیری مهاجرتی هستند» (الدر و همکاران، ۱۹۹۶؛ هکتنر^۸، ۱۹۹۵؛ هاوولی و همکاران^۹، ۱۹۹۶). تعلق به خانواده زمانی که خانواده‌ها روابط مستحکم و مثبتی دارند، بالاتر است. خانواده‌هایی که اقامت پایدار، اشتغال مناسب و ارتباط با خانواده گسترده در درون همان محل

1 Panelli

2 Long

3 assistance

4 DeJong

5 Johnson, Elder, & Stern

6 Eversole

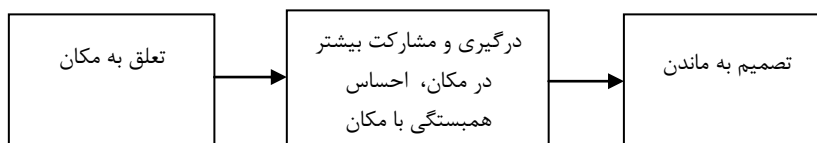
7 Cadwallader

8 Hecktner

9 Howley, Harmon, & Leopold

دارند، ممکن است که تعلق مستحکم‌تری به مکان داشته باشند (دمی و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۱۴-۳۱۳). لذا تعلق به مکان می‌تواند جوانان را به ماندن در/ یا خواستن برای برگشتن به اجتماع محلی خود ترغیب و تشویق کند (پرتی و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین تلاش‌های توسعه‌ای جوانان در اجتماع محلی می‌تواند به شکل‌گیری تعلقات جوانان در خارج از خانواده‌شان منتهی شود و می‌تواند به نگهداشتن آنها در اجتماع محلی کمک نماید. تعلق به اجتماع محلی زمانی مستحکم‌تر می‌شود که یک درک از همبستگی^۱ اجتماع محلی وجود داشته باشد، همچنین فرصت‌هایی برای درگیری و مشارکت معنی‌دار و یک احساسی از وابسته بودن در درون اجتماع محلی وجود داشته باشد (دمی و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۱۴).

پس می‌توان گفت که تعلق به مکان موجب درگیری و مشارکت بیشتر جوانان در محل زندگی شده و فرد جوان یک احساس همبستگی با محل زندگی خود پیدا می‌کند. در اینجاست که فرد به واسطه تعلق به مکان و مشارکت و همبستگی که با محل زندگی خود دارد، در تصمیم‌گیری‌های سکونتی خود تصمیم به ماندن و توسعه محل زندگی خود می‌گیرد (ن. ک. به شکل ۱).



شکل ۱: اثرگذاری تعلق به مکان در تصمیم به ماندن جوانان در روستا

احساس تعلق می‌تواند به مکان و یا به گروه وجود داشته باشد. احساس تعلق همراه با پیامدهای مثبتی برای افراد است (ترول^۲ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴۱-۱۴۰). اوسترمن^۳ (۲۰۰۰) بیان می‌کند که افراد جوانی که احساس تعلقی در زندگی روزمره تجربه می‌کنند، اندوخته درونی بیشتری دارند. آنها خودشان را افرادی شایسته و مستقل در نظر می‌گیرند، انگیزه درونی بیشتری

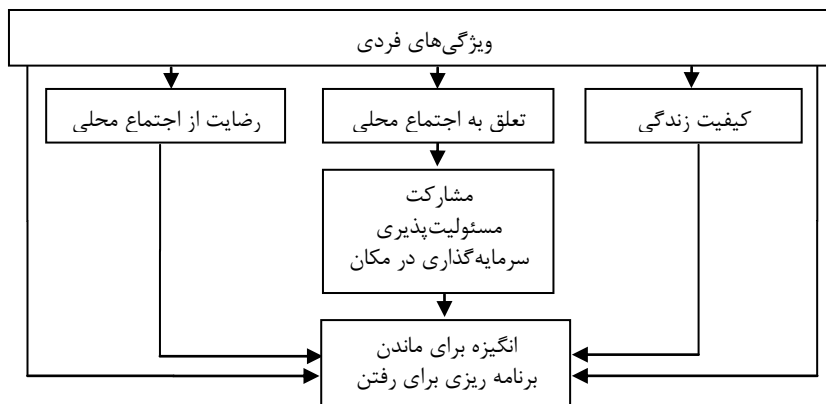
1 solidarity
2 Trel
3 Osterman

دارند و احساس هویت قوی‌تری دارند. آنها همچنین تمایل بیشتری برای تطبیق و پذیرش ارزش‌ها و هنجارها از خود نشان می‌دهند (اوسترم، ۲۰۰۰). در سطح اجتماع محلی نیز احساس تعلق می‌تواند منجر به تعامل، مشارکت و انسجام اجتماعی شود (پاتنام، ۲۰۰۰). علاوه بر اینها، احساس تعلق در افراد می‌تواند برای مراقبت از محیط زندگی‌شان و همچنین اینکه به مکان‌های معنادار^۱ یا برگردند و یا نزدیک به آن باقی بمانند، ایجاد انگیزه کند (ترول و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۴۱-۱۴۰). بطور کلی، احساس تعلق و وجود رابطه عاطفی بین افراد و مکان‌ها باعث پیامدهای توسعه‌ای بر مکان می‌شود. یعنی کسانی که به مکانی تعلق عاطفی دارند بیشتر علاقمند به مشارکت و درگیری در آنجا بوده و در جهت بهبود آن سعی می‌کنند کنش‌ها، اقدامات و سرمایه‌گذاری‌هایی داشته باشند. «محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. تعلق به مکان، عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط، بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت تداوم حضور در آن می‌باشد (پیربابایی و سجاذزاده، ۱۳۹۰: ۱۸).

باتوجه به آنچه در مباحث نظری گذشت، عوامل اجتماعی در قالب اثرگذاری بر شدت جاذبه‌های مقصد و دافعه‌های مبدأ در تصمیم‌گیری و نیت جوانان روستایی در ماندن در مبدأهای روستایی و یا مهاجرت به مقصدهای بیشتر شهری موثرند. در این میان، میزان بالای تعلق به اجتماع محلی در کاهش دافعه‌های مبدأ روستایی و متقابلاً در کاهش جاذبه‌های مقصد احتمالی بسیار موثر است. درجه این اثرگذاری آمیخته با میزان‌های مشارکت، مسئولیت‌پذیری و در نتیجه سرمایه‌گذاری در اجتماع محلی است. بطوریکه اگر تعلق به مکان بتواند زمینه‌های مشارکت بالا و احساس همبستگی را در میان جوانان روستایی به وجود آورد، در این حالت سرمایه‌گذاری مادی و اجتماعی جوانان در مبدأهای روستایی افزایش می‌یابد. از جمله مهمترین نتایج این امر می‌توان به بسترسازی زمینه‌های ماندن بلند مدت جوانان در اجتماع‌های روستایی اشاره نمود. در کنار تعلق به اجتماع محلی به عنوان یکی از عوامل اجتماعی موثر بر

1 meaningful places

تصمیم‌گیری جوانان روستایی در زمینه ماندن یا رفتن از روستا، بایستی به نقش موثر سایر مقوله‌های اجتماعی همانند کیفیت زندگی یا رضایت از اجتماع محلی نیز اشاره نمود (مراجعه به شکل ۲). نقش مقوله‌های ذکر شده تنیده در نقش تعلق به مکان بوده و جهت تحلیل نقش خاص تعلق به مکان در مهاجرت‌های روستایی بایستی نقش عوامل مذکور را نیز در نظر داشت. عوامل اجتماعی؛ تعلق به مکان، کیفیت زندگی و رضایت از اجتماع محلی با متأثر شدن از ویژگی‌های فردی جوانان همانند جنس، وضع اشتغال، سطح تحصیلات، درآمد و غیره می‌توانند اثرگذاری متفاوتی بر روی تصمیم‌گیری‌شان در زمینه ماندن یا مهاجرت از مبداهای روستایی‌شان داشته باشند. پویایی روابط علی و معلولی بین متغیرهای ویژگی‌های فردی، عوامل اجتماعی، پیامدهای تعلق به مکان و تصمیم‌گیری در زمینه رفتن یا ماندن جوانان روستایی، در قالب شکل ۲ ارایه شده است.



شکل ۲: مدل تحلیلی نقش تعلق به مکان در مهاجرت جوانان روستایی

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش کمی از نوع پیمایش انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شامل جوانان روستایی ۱۵-۳۰ ساله شهرستان‌های اسکو و هشترود در استان آذربایجان شرقی است. دلیل انتخاب این دو شهرستان در استان آذربایجان شرقی این است که در طی دهه‌های گذشته

شهرستان هشتروند مهاجرپرست‌ترین شهرستان استان و شهرستان اسکو نیز دارای کمترین میزان مهاجرپرستی بوده است.

با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، جوانان ساکن در روستاهای شهرستان‌های هشتروند و اسکو مورد مطالعه قرار گرفتند. میزان مهاجرپرستی و مهاجرپذیری و موقعیت جغرافیایی در تعیین شهرستان‌ها و موقعیت جغرافیایی، دوری و نزدیکی به شهر، شیوه معیشت و تعداد جمعیت، از جمله ملاک‌های تعیین‌کننده در امر انتخاب خوشه‌ها بوده است.

در این تحقیق بر اساس جدول مورگان و بر حسب اینکه در سرشماری ۱۳۹۵ جوانان ۳۰- ۱۵ ساله روستایی شهرستان اسکو ۱۲۸۶۳ نفر و هشتروند ۱۳۴۴۱ نفر بودند، برای هر شهرستان ۳۷۵ نفر نمونه انتخاب شد و برای تعمیم بیشتر و اعتبار پژوهش، نمونه‌های هر شهرستان به ۴۰۰ نفر ارتقا یافت. در نهایت پس از جمع‌آوری اطلاعات ۷۶۹ پرسشنامه قابلیت تحلیل یافت. ملاک انتخاب دهستان‌ها، پرجمعیت‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین دهستان‌ها بود. پس از مشخص شدن دهستان‌ها در هر شهرستان، انتخاب روستاها برحسب دوری و نزدیکی به جاده اصلی و شهر، جمعیت، موقعیت جغرافیایی، نوع معیشت و دسترسی و عدم دسترسی به امکانات (که در ماندگاری جوانان می‌تواند موثر باشند) بود.

با توجه به ماهیت مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی، این سوال برای محقق پیش می‌آید که آیا وسیله اندازه‌گیری تحقیق واقعاً آن چیزی را اندازه می‌گیرد که قصد اندازه‌گیری آن را داریم یا نه؟ و این در واقع بحث پیرامون اعتبار وسیله اندازه‌گیری است. بنابراین هر چند سعی شده است که از پرسشنامه‌های استاندارد در مفاهیم، بخصوص در مفهوم تعلق به مکان استفاده شود که قبلاً آزمون شده و روایی آن سنجیده شده و به تایید رسیده است، با این وجود سوال‌های پرسشنامه به رویت صاحب‌نظران رسیده و اعتبار آن را برای این پژوهش تأیید شده است. گویه‌های پژوهش به شیوه اعتبار صوری تنظیم شده است. در شیوه اعتبار صوری مبنا داوری متخصصان حوزه مورد مطالعه است. برای سنجش روایی متغیرهای تحقیق از معیار آلفای کرونباخ استفاده شده است (ن. ک به جدول ۱).

جدول ۱: مفاهیم، گویه‌ها و نتایج تحلیل روایی

ردیف	روایی	گویه‌ها	نتیجه
۱	۷۸٪	<p>سهولت دسترسی دانش آموزان این روستا به مدرسه به چه میزان است.</p> <p>تا چه اندازه از سهولت دسترسی به کلاس‌های آموزشی (کامپیوتر، زبان و ...) در این روستا رضایت دارید</p> <p>تا چه اندازه از کیفیت خدمات آموزشی موجود در روستا رضایت دارید</p> <p>تا چه اندازه از وضعیت معابر و کوچه های داخل این روستا رضایت دارید</p> <p>تا چه اندازه از زندگی در این روستا رضایت دارید</p> <p>تا چه اندازه از وضعیت بهداشتی روستای خود رضایت دارید</p> <p>تا چه اندازه از وضعیت مسکن خود در این روستا رضایت دارید</p> <p>شرایط دسترسی به امکانات ورزشی در این روستا مطلوب است</p> <p>من فکر می‌کنم که امکانات حمل و نقل و دسترسی به شهر در اینجا به اندازه کافی وجود دارد</p>	۹۰٪
	۷۰٪	<p>معمولاً از درآمد خود پس انداز مناسبی هم دارم.</p> <p>تا چه اندازه از نحوه برخورد مردم روستا نسبت به خودتان رضایت دارید</p> <p>تا چه اندازه خود را فردی تاثیرگذار و موثر در تصمیم‌گیری های روستا می‌دانید</p> <p>تا چه اندازه در انتخاب شیوه زندگی خود در روستا احساس آزادی دارید.</p> <p>اخبار و اطلاعات مورد نیاز روزانه به چه میزان در دسترس شماست؟</p> <p>چقدر از روابط اجتماعی تان با دیگران رضایت دارید؟</p> <p>در مقایسه با همسایه‌ها و فامیل‌هایتان در روستا، تا چه اندازه از وضعیت مالی خود رضایت دارید</p> <p>می‌توان شغل مناسبی را در روستا تدارک دید</p> <p>با توجه به شغلی که در روستا دارم می‌توانم ماهانه قسطی در حدود ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کنم.</p> <p>به بهترین نحو می‌توانم اوقات فراغت خود را در اینجا پر کنم</p>	۹۰٪
۲	۷۷٪	<p>برای آینده تحصیلی فرزندانم (مدرسه، کلاس زبان، کلاس کامپیوتر) ترجیح می‌دهم به مکان دیگر مهاجرت کنم</p> <p>چند سالی است که سرمایه‌ام را جمع می‌کنم تا بتوانم برای خودم در شهر خانه یا شغلی دست و پا کنم.</p> <p>حدود دو سال است که در حال جمع آوری اطلاعات مربوط به شغل و مسکن در جای دیگر جهت مهاجرت از این روستا هستم</p> <p>خانواده‌تان تا چه اندازه شما را جهت مهاجرت از این روستا تشویق می‌کنند؟</p> <p>در آینده تا چه اندازه احتمال می‌دهید که در این روستا ماندگار شوید؟</p>	<p>۷۳٪</p> <p>۶۵٪</p>
		<p>اگر یک وام ۱۰ میلیونی بگیرم، کل مبلغ را در روستایم سرمایه‌گذاری می‌کنم دوست دارم در آینده، مسکن دلخواه خودم را در روستا داشته باشم</p> <p>اگر یک فرصت کاری مرتبط با علاقه‌ام در روستا وجود داشته باشد آنرا قبول می‌کنم</p> <p>همواره ترجیح من این است که یک زمین کشاورزی یا باغ در روستا داشته باشم</p> <p>من در برابر برادرها و خواهرهایم احساس مسئولیت می‌کنم</p> <p>در بیشتر مواقع نسبت به وقایع و اتفاقات روستا احساس مسئولیت می‌کنم</p> <p>این وظیفه ماست که به روستای خودمان برسیم</p> <p>فکر می‌کنم تلاش من در روستا باعث رونق روستا می‌شود</p>	

یافته‌ها

تمایل به مهاجرت از روستا

در خصوص تمایل به مهاجرت از روستا، حدود ۲۴ درصد از پاسخگویان تمایل کمتر ۵۸ درصد تمایل متوسط و ۱۸ درصد تمایل زیاد برای مهاجرت از روستا دارند. در این بین مشخص است که مهاجرت برای آینده تحصیلی فرزندان از اهمیت وافری برای پاسخگویان برخوردار است. همچنین نکته جالب این است که خانواده‌ها کمتر جوانان را برای مهاجرت از روستا ترغیب می‌کنند.

جدول ۲: توزیع نسبی پاسخگویان برحسب تمایل به مهاجرت از روستا

مخالف	تاحدودی موافق	موافق	گویه‌ها میزان موافقت (%):
۲۱/۲	۱۹/۳	۵۹/۵	برای آینده تحصیلی فرزندانم (مدرسه، کلاس زبان، کلاس کامپیوتر) ترجیح می‌دهم به مکان دیگر مهاجرت کنم
۳۷/۷	۲۵/۲	۳۷/۱	چند سالی است که سرمایه‌ام را جمع می‌کنم تا بتوانم برای خودم در شهر خانه یا شغلی دست و پا کنم.
۴۵/۸	۲۵/۶	۲۸/۶	حدود دو سال است که در حال جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شغل و مسکن در جای دیگر جهت مهاجرت از روستا هستم
۵۴/۰	۲۳/۰	۲۳/۰	خانواده ام مرا برای مهاجرت از این روستا تشویق می‌کنند.
۴۰/۱	۲۹/۹	۳۰/۰	احتمال می‌دهم که در آینده در روستا ماندگار شوم.
۱۸/۱	۵۷/۶	۲۴/۳	برداشت کلی از تمایل به مهاجرت از روستا

متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای و میزان تمایل به مهاجرت از روستا

عوامل اقتصادی - اجتماعی همانند جنس، سن، وضعیت شغلی، نوع شغل، تحصیلات، درآمد، وضع تاهل، محل اشتغال، وضعیت سکونت، وضعیت مسکن، داشتن اعضای مهاجر در خانواده و شهرستان محل سکونت به عنوان عوامل مداخله‌گر بر میزان تمایل به مهاجرت در نظر گرفته شده‌اند. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان دهنده آن است که متغیرهای مذکور بر احتمال ترک روستا نقش مهمی دارند (ن. ک به جدول ۳). نتایج حاصل از بررسی تاثیر سطح تحصیلات بر احتمال ترک روستا نیز نشان دهنده آن است که جوانان با تحصیلات بالا احتمال ترک

بیشتری دارند. بطوریکه فقط ۱۲ درصد از جوانان با تحصیلات کارشناسی و بالاتر احتمال ترکشان کمتر است در صورتیکه ۳۷ درصد از جوانان با تحصیلات بیسواد و ابتدایی دارای احتمال ترک کمتری هستند. نکته مهمتر این است که با افزایش تحصیلات به طور مرتب به احتمال ترک افزوده می‌شود. این نشان می‌دهد که جوانان با تحصیلات بالاتر، دارای آرمان‌ها و انگیزه‌های متنوعی هستند که احتمال ترک آنها را افزایش می‌دهد. همچنین نتایج آزمون آماری نشان می‌دهد که افراد مجرد به نسبت متاهلین احتمال بیشتری برای ترک روستا در آینده دارند. بطوریکه ۱۸ درصد از مجردین در مقابل ۲۹ درصد از متاهلین احتمال ترک کمتری دارند. بررسی تاثیر وضعیت سکونت بر احتمال ترک روستا نشان می‌دهد که ۳۱ درصد از کسانی که به صورت مستقل زندگی می‌کنند احتمال ترک کمتری دارند و این مقدار برای کسانی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند ۲۱ درصد است. بنابراین همانطور هم که نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهند، وضعیت سکونت بر تمایل به مهاجرت از روستا اثرگذار است. بررسی وضعیت داشتن اعضای مهاجر در خانواده نیز نشان می‌دهد که ۲۳ درصد از جوانانی که دارای اعضای مهاجر در خانواده خود هستند در مقابل ۱۴ درصد کسانی که اعضای مهاجر در خانواده خود ندارند، به احتمال زیاد روستای خود را ترک خواهند کرد که نتایج حاصل از آزمون آماری نیز این همبستگی را تأیید می‌کند. در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهند که شهرستان محل سکونت نیز در احتمال ترک روستا نقش مهمی دارد، بطوریکه ۲۸ درصد از کسانی که در شهرستان اسکو زندگی می‌کنند احتمال ترک کمتری دارند، درحالی‌که این مقدار برای کسانی که در شهرستان هشترود زندگی می‌کنند حدود ۲۰ درصد است. این امر به اثرگذاری ویژگی‌های کلان در سطح شهرستانی در جهت دهی به جریان‌های مهاجرتی جوانان روستایی اشاره دارد.

نتایج این بخش نشان می‌دهد که تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت سکونت، داشتن اعضای مهاجر در خانواده و شهرستان محل سکونت در احتمال ترک روستا اثرگذار است. بطوریکه متاهلین، افراد با تحصیلات پایین، افرادی که به صورت مستقل زندگی می‌کنند، کسانی که اعضای مهاجر کرده در خانواده خود ندارند و کسانی که در شهرستان برخوردارتری زندگی می‌کنند، احتمال ترک کمتری دارند و در مقابل افراد مجرد، افراد با تحصیلات بالاتر، افرادی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند، کسانی که در خانواده خود فرد مهاجرت کرده‌ای دارند و

افرادی که در شهرستان مهاجرفرست‌تری زندگی می‌کنند، به احتمال بیشتری در آینده مهاجرت خواهند کرد.

جدول ۳: توزیع نسبی پاسخگویان برحسب تمایل به مهاجرت به تفکیک متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای

متغیرها	مقوله‌ها	تمایل به مهاجرت			تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره‌های آزمون
		کم	متوسط	زیاد				
جنس	مرد	۲۳/۰	۵۹/۰	۱۸/۰	۵۲۱	۱۴/۶	۴/۱۹	Cramer's V= ۰/۰۴۵ Sig= ۰/۴۵۳
	زن	۲۷/۰	۵۴/۹	۱۸/۱	۲۴۸	۱۴/۷	۴/۰۸	
سن	۱۵-۱۹	۲۴/۹	۶۳/۰	۱۲/۱	۱۷۳	۱۴/۴	۳/۸۷	Kendall's tau_b=۰/۰۴۰ Sig= ۰/۲۲۷
	۲۰-۲۵	۲۳/۷	۵۶/۵	۱۹/۸	۲۷۸	۱۴/۸	۴/۲۶	
	۲۶-۳۰	۲۳/۴	۵۵/۳	۲۱/۳	۲۹۱	۱۴/۷	۴/۱۵	
وضعیت شغلی	شاغل	۲۷/۸	۵۶/۹	۱۵/۳	۲۴۸	۱۴/۱	۴/۲۱	Cramer's V= ۰/۰۷۴ Sig= ۰/۱۳۲
	غیرشاغل	۲۲/۰	۵۸/۴	۱۹/۶	۴۹۵	۱۵/۰	۴/۰۷	
تحصیلات	بیسواد و ابتدایی	۳۷/۱	۴۷/۶	۱۵/۳	۱۷۸	۱۳/۵	۴/۵۸	Kendall's tau_b= ۰/۱۵۳ Sig= ۰/۰۰۰
	راهنمایی	۲۴/۲	۶۰/۱	۱۵/۷	۲۱۱	۱۴/۵	۳/۸۱	
	دبیرستان و دیپلم	۲۰/۶	۶۱/۹	۱۷/۵	۲۵۲	۱۵/۰	۳/۹۶	
	کاردانی	۲۰/۴	۵۴/۶	۲۵/۰	۲۸	۱۵/۳	۴/۹۷	
	کارشناسی و بالاتر	۱۲/۲	۵۷/۱	۳۰/۶	۹۸	۱۶/۰	۳/۸۶	
درآمد	پایین	۲۹/۳	۵۴/۳	۱۶/۴	۲۴۲	۱۴/۲	۴/۲۹	Kendall's tau_b=۰/۰۴۵ Sig= ۰/۲۱۷
	متوسط	۲۲/۳	۶۰/۸	۱۶/۹	۲۹۶	۱۴/۷	۴/۰۰	
	بالا	۲۶/۱	۵۲/۳	۲۱/۶	۸۸	۱۵/۰	۴/۵۱	
وضع تاهل	مجرد	۱۷/۹	۶۵/۴	۱۶/۷	۳۱۸	۱۵/۱	۳/۸۶	Cramer's V= ۰/۱۳۶ Sig= ۰/۰۰۱
	متاهل	۲۸/۷	۵۳/۰	۱۸/۳	۴۳۶	۱۴/۳	۴/۳۱	
محل اشتغال	روستا	۲۸/۹	۵۶/۷	۱۴/۴	۲۰۱	۱۳/۹	۴/۱۰	Cramer's V= ۰/۰۰۶ Sig= ۰/۹۹۶
	شهر	۲۹/۴	۵۵/۹	۱۴/۷	۳۴	۱۴/۰	۳/۹۳	
وضعیت سکونت	با پدر و مادر	۲۱/۰	۶۱/۴	۱۷/۶	۵۱۸	۱۴/۹	۴/۰۲	Cramer's V= ۰/۱۲۱ Sig= ۰/۰۰۴
	مستقل	۳۱/۳	۴۹/۸	۱۸/۹	۲۴۳	۱۴/۲	۴/۴۰	

ادامه جدول ۳: توزیع نسبی پاسخگویان برحسب تمایل به مهاجرت به تفکیک متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای

متغیرها	مقوله‌ها	تمایل به مهاجرت			تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره‌های آزمون
		کم	متوسط	زیاد				
وضعیت مسکن	ملکی	۲۴/۲	۵۸/۸	۱۷/۰	۶۳۶	۱۴/۶	۴/۱۲	Cramer's V= ۰/۰۷۰ Sig= ۰/۱۶۷
	استیجاری	۲۱/۸	۵۲/۹	۲۵/۳	۸۷	۱۵/۲	۴/۲۳	
داشتن عضو مهاجر	بلی	۲۱/۰	۵۶/۰	۲۳/۰	۳۶۶	۱۵/۲	۴/۰۹	Cramer's V= ۰/۱۲۴ Sig= ۰/۰۰۳
	خیر	۲۶/۶	۵۹/۷	۱۳/۷	۳۶۵	۱۴/۲	۴/۱۴	
شهرستان محل سکونت	هشترود	۲۰/۴	۶۰/۹	۱۸/۸	۳۶۸	۱۵/۰	۳/۹۳	Cramer's V= ۰/۰۸۸ Sig= ۰/۰۵۰
	اسکو	۲۷/۹	۵۴/۶	۱۷/۵	۴۰۱	۱۴/۳	۴/۳۳	
کل پاسخگویان					۷۶۹	۱۸/۱	۵۷/۶	۲۴/۳

رابطه متغیرهای اجتماعی و تمایل به مهاجرت از روستا

در این بخش رابطه بین متغیرهای اجتماعی (کیفیت زندگی، رضایت از زندگی، تعلق به محل زندگی، مشارکت در محل زندگی، سرمایه‌گذاری در روستا و مسئولیت‌پذیری) و تمایل به مهاجرت از روستا مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای محاسبه همبستگی احتمال ترک روستا با متغیر کیفیت زندگی در جدول ۴ نشان داده شده است. نتایج این آزمون در سطح دو دامنه نشان می‌دهد که بین احتمال ترک روستا و کیفیت زندگی همبستگی ضعیف منفی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ وجود دارد. یعنی با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت که هر چقدر سطح کیفیت زندگی از نظر فرد پاسخگو بالا باشد، احتمال ترک روستا در آینده کاهش می‌یابد و برعکس. این یافته نشان می‌دهد که کیفیت زندگی می‌تواند نقش مهمی در ماندگاری جوانان روستایی ایفاء کند. به هر اندازه که سطح کیفیت زندگی در محیط‌های روستایی افزایش پیدا کند، جوانان روستایی بیشتر راغب خواهند بود که در روستا ماندگار شوند و زندگی آینده خود را در آنجا برنامه‌ریزی نمایند. در واقع کیفیت زندگی در مناطق روستایی خود بخشی از جاذبه‌ها و دافعه‌های روستایی

را تشکیل می‌دهد که با افزایش آن جاذبه روستا افزایش و دافعه کاهش می‌یابد و متعاقب این تغییرات در جاذبه و دافعه، احتمال ترک نیز تغییر می‌یابد.

همچنین به منظور محاسبه همبستگی بین متغیرهای احتمال ترک روستا و متغیر رضایت از زندگی از روش پیرسون استفاده شده است. همانطور که جدول ۴ نشان می‌دهد بین نمره متغیر احتمال ترک روستا با متغیر رضایت از زندگی همبستگی متوسط منفی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ وجود دارد. یعنی با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت که هر چقدر سطح رضایت از زندگی از نظر فرد پاسخگو بالا باشد، احتمال ترک روستا در آینده کاهش می‌یابد و برعکس. بنابراین، یکی از عوامل مهم در ترک مناطق روستایی توسط جوانان عدم رضایت از محل زندگی است. این رضایت شامل مجموعه‌ای از موارد چون شغل، وضعیت زندگی، دسترسی‌ها، آموزش و غیره است. این یافته به خوبی نشان می‌دهد که افزایش رضایت از زندگی می‌تواند در احتمال ترک جوانان روستایی موثر واقع شود. جوانانی که رضایت بیشتری از محل زندگی خود دارند، بیشتر راغب خواهند بود که در روستای خود بمانند و احتمال ترک کمتری داشته باشند.

در خصوص تعلق به محل زندگی نیز، با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنی‌داری آن، بین احتمال ترک روستا و تعلق به محل زندگی همبستگی متوسط منفی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ وجود دارد. یعنی هر چقدر تعلق به محل زندگی از نظر فرد پاسخگو بالا باشد، احتمال ترک روستا در آینده کاهش می‌یابد و برعکس. با توجه به فرض اصلی این تحقیق و معنی دار بودن رابطه، تعلق به محل زندگی توانسته است احتمال ترک را کاهش دهد. همانگونه که مطالعات نظری و تجربی هم نشان دادند تعلق به محل زندگی نقش مهمی در میان جوانان روستایی برای تصمیم‌گیری به منظور ترک یا ماندن در محیط‌های روستایی دارد و همینطور هم در این مطالعه مشخص شد که این متغیر نقش مثبتی در جهت احتمال ماندن جوانان روستایی دارد.

محاسبه همبستگی بین مشارکت و احتمال ترک روستا با توجه به سطح معنی‌داری نشان می‌دهد بین مشارکت و احتمال ترک روستا در آینده رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نشان می‌دهد که شاخص مشارکت تبیین‌کننده برای احتمال ترک روستا نیست چرا که همه افراد

روستا از مشارکت بالایی برخوردار هستند. همچنین باید عنوان نمود که مشارکت در محیط‌های سنتی، طایفه‌ای و روستایی، همواره یک بخش جدایی ناپذیر از زندگی مردم است. سرمایه‌گذاری در روستا یکی از عوامل مهمی است که باعث می‌شود فرد بواسطه سرمایه‌گذاری در روستا از احتمال ترک کمتری در آینده برخوردار باشد. با توجه به سطح معنی‌داری و ضریب همبستگی، بین احتمال ترک روستا و سرمایه‌گذاری افراد در محل زندگی همبستگی منفی متوسطی وجود دارد. این همبستگی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ معنی‌دار بوده بطوریکه هرچه قدر سرمایه‌گذاری در روستا بیشتر باشد احتمال ترک روستا در آینده کمتر می‌شود. همانگونه که این یافته نشان می‌دهد، افرادی که انگیزه‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری در روستای خود دارند، به احتمال کمتری در آینده روستا را ترک خواهند کرد. چرا که این افراد به منظور تشکیل یک زندگی یا تداوم آن، ترجیح می‌دهند که سرمایه‌گذاری لازم را چه از نظر مالی و چه از نظر شغلی و غیره در روستای خود انجام دهند و بنابراین این کار آنها را برای تداوم زندگی در روستا ترغیب می‌نماید و ماندگاری آنها را افزایش می‌دهد. فرد زمانی که شغل یا سرمایه و یا درآمدی در روستای خود داشته باشد احتمال ماندنش در روستا افزایش خواهد یافت.

در نهایت، محاسبه همبستگی بین متغیرهای احتمال ترک روستا و مسئولیت‌پذیری با آزمون پیرسون نیز نشان می‌دهد بین احتمال ترک روستا و مسئولیت‌پذیری یک همبستگی ضعیف منفی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ وجود دارد. پس، هر چه قدر مسئولیت‌پذیری فرد افزایش یابد احتمال ترک وی کاهش می‌یابد. این مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده، روستا و اطرافیان بوده است. کسانی که در قبال خانواده، روستا و اطرافیان خود احساس مسئولیت می‌کنند، به خاطر این احساس مسئولیت احتمال ترک کمتری در آینده دارند.

جدول ۴: نتایج ضریب پیرسون از رابطه بین تمایل به مهاجرت از روستا و متغیرهای مستقل

متغیرها	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
کیفیت زندگی	-۰/۱۵۶	Sig = ۰/۰۰۰
رضایت از زندگی	-۰/۲۰۱	Sig = ۰/۰۰۰
تعلق	-۰/۲۵۸	Sig = ۰/۰۰۰
مشارکت	-۰/۰۳۱	Sig = ۰/۳۹۸
سرمایه‌گذاری	-۰/۲۲۲	Sig = ۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	-۰/۱۰۹	Sig = ۰/۰۰۰۴

نتایج تحلیل چندمتغیره

با استفاده از تکنیک‌های آماری رگرسیون چندمتغیری و تحلیل مسیر سعی بر آن است تا تاثیر مجموع متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به مدل تحلیلی پژوهش، علاوه بر متغیر وابسته نهایی (احتمال ترک) چند متغیر وابسته میانی (مشارکت، سرمایه‌گذاری و مسئولیت‌پذیری) نیز وجود دارد. بنابراین، رگرسیون چند متغیری برای هر یک از متغیرهای وابسته بطور جداگانه انجام گرفته است که در اینجا فقط به نتایج رگرسیون اعمال شده بر روی متغیر وابسته نهایی (احتمال ترک روستا) اشاره می‌گردد.

به منظور بررسی تاثیر همزمان متغیرهای مستقل بر احتمال ترک روستا، متغیرهای مستقل درآمد، وضعیت تاهل، وضعیت مسکن، تحصیلات، داشتن اعضای مهاجر در خانواده، وضعیت شغلی، وضعیت سکونت، شهرستان محل زندگی، تعلق به مکان، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی، سرمایه‌گذاری و مسئولیت‌پذیری و متغیر وابسته احتمال ترک روستا در معادله رگرسیون خطی (روش توأم) وارد شده‌اند. جدول ۵ مدل‌ها، ضرایب رگرسیونی و سایر اطلاعات برآمده از محاسبه رگرسیون چندمتغیری را نشان می‌دهد.

با توجه به ضریب F، از مجموع ۱۳ متغیر مستقل وارد شده در معادله، فقط شش متغیر؛ تعلق به مکان، وضعیت تاهل، داشتن عضو مهاجر در خانواده، تحصیلات دانشگاهی، سرمایه‌گذاری در مکان و رضایت از زندگی رابطه معناداری را با احتمال ترک روستا نشان می‌دهند. ضریب تعیین تصحیح شده نشان می‌دهد حدود ۲۳ درصد از تغییرات احتمال ترک روستا

توسط شش متغیر آورده شده در مدل تبیین می‌شود. با توجه به بتاهای بدست آمده، متغیر تعلق به مکان قوی ترین رابطه (منفی) را با احتمال ترک روستا دارد. پس کسانی که تعلق بالاتری به محل زندگی خود دارند، احتمال ترکشان پایین تر است. بعد از آن متغیر سرمایه گذاری در مکان بیشترین رابطه (منفی) را داشته و بعد از آن نیز متغیر رضایت از زندگی قرار دارد. به نحوی که کسانی که سرمایه گذاری بیشتری در روستای خود داشته و رضایت بیشتری از روستای خود دارند، احتمال ترک روستایشان کمتر است. در مقابل، جوانانی که عضو مهاجر در خانواده دارند، تحصیلات دانشگاهی دارند و مجرد هستند، احتمال ترک روستایشان بیشتر است.

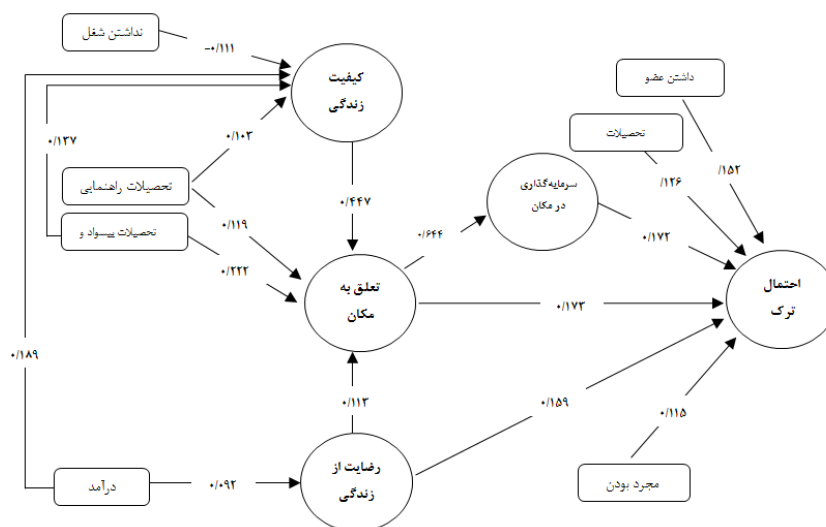
جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری مربوط به تاثیر متغیرهای مستقل بر احتمال ترک روستا

متغیرها	B	S.E	β
مقدار ثابت	۱۹/۶۴۷	۱/۴۴۶	
تعلق به مکان	-۰/۰۵۶	۰/۰۲۲	-۰/۱۷۳**
وضعیت تاهل (مجرد)	۰/۹۶۸	۰/۴۴۹	۰/۱۱۵**
داشتن عضو مهاجر (بلی)	۱/۲۶۸	۰/۳۷۰	۰/۱۵۲*
تحصیلات (دانشگاهی)	۱/۴۰۹	۰/۵۴۸	۰/۱۲۶**
سرمایه گذاری در مکان	-۰/۱۷۶	۰/۰۵۷	-۰/۱۷۲*
رضایت از زندگی	-۰/۱۱۲	۰/۰۳۴	-۰/۱۵۹*
ضریب همبستگی (R)	۰/۴۹۵		
ضریب تعیین (R ²)	۰/۲۵۰		
ضریب تعیین تصحیح شده	۰/۲۳۰		
ضریب F	۱۴/۸۵۱		

** معنی داری در سطح $P < ۰/۰۰۱$. * معنی داری در سطح $۰/۰۵ < P < ۰/۰۱$

برای پیوند دادن محاسبات مختلف رگرسیون چند متغیری (در رابطه با تاثیر متغیرهای مستقل بر وابسته) و برازش مدل تحلیل پژوهش، از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شده است. با در نظر گرفتن مدل تحلیل، هفت مرحله برای تحلیل مسیر در نظر گرفته می‌شود. در مرحله اول احتمال ترک روستا، در مرحله دوم مسئولیت پذیری، در مرحله سوم سرمایه گذاری در روستا،

در مرحله چهارم مشارکت در روستا، در مرحله پنجم میزان تعلق به مکان، در مرحله ششم و هفتم متغیرهای رضایت از زندگی و کیفیت زندگی به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده و رابطه آنها با متغیرهای مستقل لحاظ شده است. حال که ضرایب مسیر برای کلیه مراحل هفتگانه به دست آمده است، می‌توان از طریق ترکیب نمودارهای مراحل فوق اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نهایی بدست آورد. لازم به ذکر است که مرحله دوم (مسئولیت‌پذیری) و مرحله چهارم (مشارکت) به دلیل عدم تاثیرگذاری در احتمال ترک در مدل‌های رگرسیونی از مدل نهایی خارج شده‌اند. ضرایب مسیر به دست آمده برای کلیه مسیرها در شکل ۳ آمده است.



شکل ۳: نمودار نهایی مسیرهای اثرگذاری متغیرهای مستقل بر احتمال ترک روستا

اینک می‌توان تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را محاسبه کرد. هر متغیر دارای دو اثر مستقیم و غیرمستقیم است که از مجموع آنها اثر کلی متغیر به دست می‌آید. اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کلی متغیرهای مستقل تحقیق بر احتمال ترک روستا به شرح جدول ۶ است.

جدول ۶: بررسی اثرات متغیرهای مستقل بر احتمال ترک روستا

اثرات کلی	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	متغیرهای مستقل
۰/۱۵۲	-	۰/۱۵۲	داشتن عضو مهاجر در خانواده
۰/۱۲۶	-	۰/۱۲۶	تحصیلات دانشگاهی
۰/۱۱۵	-	۰/۱۱۵	وضعیت تاهل (مجرد بودن)
-۰/۱۷۲	-	-۰/۱۷۲	سرمایه‌گذاری در مکان
-۰/۲۸۴	-۰/۱۱۱	-۰/۱۷۳	تعلق به مکان
-۰/۱۷۸	-۰/۰۱۹	-۰/۱۵۹	رضایت از زندگی
-۰/۱۲۶	-۰/۱۲۶	-	کیفیت زندگی
۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	-	وضعیت شغلی (نداشتن شغل)
-۰/۰۷۹	-۰/۰۷۹	-	بیسواد و تحصیلات ابتدایی
-۰/۰۴۶	-۰/۰۴۶	-	تحصیلات راهنمایی
-۰/۰۴۱	-۰/۰۴۱	-	درآمد

مطابق با جدول ۶، موثرترین متغیرها بر احتمال ترک به ترتیب عبارتند از: تعلق به مکان، رضایت از زندگی، سرمایه‌گذاری در مکان، داشتن عضو مهاجر در خانواده، کیفیت زندگی، تحصیلات دانشگاهی، وضعیت تاهل، تحصیلات بیسواد و ابتدایی، تحصیلات راهنمایی، درآمد و وضعیت شغلی. تعلق بالا به مکان، سرمایه‌گذاری بالا در مکان، رضایت از زندگی بیشتر، کیفیت زندگی بالاتر، تحصیلات راهنمایی و درآمد بالاتر تأثیر منفی بر احتمال ترک روستا و متغیرهای داشتن عضو مهاجر در خانواده، تحصیلات دانشگاهی، مجرد بودن و نداشتن شغل تأثیر مثبت بر احتمال ترک مناطق روستایی دارند.

نتیجه‌گیری

همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، تصمیم‌گیری جوانان برای مهاجرت همواره آسان نبوده و همراه با ارزیابی‌هایی از شرایط ماندن و یا ترک کردن است. در این ارزیابی‌ها، تعلق به مکان نقش مهمی بازی می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد جوانانی که تعلق زیادی به محل زندگی خود دارند، احتمال ماندنشان در روستا بیش از کسانی است که تعلق کمتری به روستای خود

دارند. این یافته در کار دمی و همکاران (۲۰۰۹) نیز تایید شده است. آنها به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان روستایی که دیدگاه مثبتی به روستای خود دارند، احتمال بیشتری دارد که بخواهند در روستای خود بمانند. همچنین با یافته‌های لانگ و همکاران (۲۰۱۲)، تئودوری و تئودوری^۱ (۲۰۱۴)، پرتی و همکاران (۲۰۰۶)، جونز (۱۹۹۵ و ۱۹۹۹) و رستمعلی زاده و همکاران (۱۳۹۲) در خصوص تاثیرات مثبت تعلق به مکان در ماندگاری جوانان روستایی همخوانی دارد. اینها در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تعلق به مکان می‌تواند در ماندگاری جوانان روستایی موثر باشد. این تعلق شامل مجموعه‌ای از پیوندها و احساسات به روستا، تاریخ، هویت و طبیعت آن، به خانواده و خویشاوندان و دوستان و همسایگان است. در واقع تعلق به مکان باعث می‌شود که افراد در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی خود مانند آن را به ترک کردن ترجیح داده و وقتی شرایط را ارزیابی می‌کنند، سود ماندن را بیش از ترک کردن می‌بینند. بدین حالت که تعلق به مکان، سرمایه‌گذاری در مکان و رضایت از زندگی، احتمال ترک روستا را کاهش داده و در مقابل وضعیت تاهل (مجرد بودن)، داشتن عضو مهاجر در خانواده و تحصیلات دانشگاهی، احتمال ترک روستا را افزایش می‌دهد. با این حال، تعلق به محل زندگی و سرمایه‌گذاری در روستا می‌تواند در ماندگاری جوانان روستایی موثر واقع شود. این یافته‌ها در کار لانگ و همکاران (۲۰۱۲) نیز تایید شده است. آنها نیز به این نتیجه رسیدند کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند تصمیم‌گیری‌شان برای برنامه‌ریزی نقل مکان مبتنی بر احساس رضایت کلی از اجتماع محلی و سطح تعلق به اجتماع محلی‌شان است. عواملی که منجر به تغییر این وضعیت می‌شود فرصت‌های شغلی، اشتغال، درآمد و دسترسی به آموزش است. ماحصل مباحث این است که تعلق به مکان، سرمایه‌گذاری در مکان، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و درآمد می‌تواند باعث ماندگاری جوانان روستایی شود. همچنین افزایش سطح تحصیلات، مجرد بودن، داشتن عضو مهاجر در خانواده و عدم داشتن شغل نیز می‌تواند احتمال ترک جوانان روستایی را بالا ببرد.

1 Theodori and Theodori

باتوجه به اینکه صرفاً زمینه‌های اجتماعی ماندگاری جوانان روستایی در نظر گرفته شده است، از این جهت تعهدات مالی بسیار کمتری برای برنامه‌ریزان و مدیران امورات روستایی دارد. از طریق محور قرار دادن ایجاد علایق به محیط‌های روستایی با بسترهای اجتماعی و فرهنگی (به ویژه خود آگاهی فرهنگی) می‌توان ماندگاری و دوام زندگی جوانان در محیط‌های روستایی را تضمین کرد. به‌ویژه اینکه، باتوجه به جنبه فرهنگی و زمان‌بر بودن ایجاد تعلق به محیط روستایی، تضعیف و از بین رفتن لحظه‌ای آن میسر نبوده و این امر از تصمیم‌گیری‌های جوانان در زمینه مهاجرت از روستا جلوگیری خواهد نمود. بنابراین، تعلق به اجتماع محلی روستا می‌تواند به عنوان یک بازدارنده قوی و طولانی مدت در زمینه جریان‌های مهاجرت جوانان از روستا عمل نماید. باتوجه به همبستگی بالای تعلق به اجتماع محلی با میزان‌های مشارکت، مسئولیت‌پذیری و درنهایت سرمایه‌گذاری محله‌ای، این عامل اجتماعی نتیجتاً منجر به بهره‌وری اقتصادی گردیده و در بهبود امورات اقتصادی و وضعیت رفاهی روستاها عامل بسیار موثری خواهد بود.

منابع

- پیربابایی، محمدتقی و حسن سجاذزاده (۱۳۹۰). "تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سستی"، *مجله باغ نظر*، سال ۸، شماره ۱۶، صص: ۱۷-۲۸.
- رستمعلی‌زاده، ولی اله، علی قاسمی اردهایی، و نیر رستمی (۱۳۹۲). "عوامل مؤثر بر ماندگاری جوانان روستایی؛ مطالعه موردی: شهرستان اهر"، *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۴، شماره ۳، صص: ۵۳۴-۵۰۵.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰). "مهاجرت"، تهران: سمت.
- ناطق پور، محمد جواد (۱۳۸۳). "توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراهای اسلامی"، *آموزش علوم اجتماعی*، دوره ۷ شماره ۲، صص: ۲۸-۳۳.
- Brown, D. L. (2002). "Migration and community: Social networks in a multilevel world". *Rural Sociology* 67(1): 1-23.
- Cadwallader, M. (1992). "Migration and residential mobility". Madison: University of Wisconsin Press.

- Christakopoulou, S., J. Dawson and G. Aikaterini (2001), "The Community Well-Being Questionnaire: Theoretical Context and Initial Assessment of Its Reliability and Validity", *Social Indicators Research* 56(3): 321-351.
- Corbett, M. (2007). "Learning to leave: The irony of schooling in a coastal community". Halifax, Nova Scotia, Canada: Fernwood Publishing.
- DeJong, G. F. (1999). "Choice processes in migration behavior". In Pandit, K., & Withers, S. D. (Eds.), *Migration and restructuring in the United States*. Lanham, MD: Rowan and Littlefield.
- Demi, M. A., D. K. McLaughlin and A. R. Snyder (2009). "Rural Youth Residential Preferences: Understanding the Youth Development- Community Development Nexus", *Community Development* 40(4): 311-330.
- Elder, G. H., V. King and R. D. Conger (1996). "Attachment to place and migration prospects: A developmental perspective". *Journal of Research on Adolescence* 6(4): 397-425.
- Eversole, R. (2002). "Keeping youth in communities: Education and out-migration in the southwest". *Rural Society* 1 (2): 85-98.
- Garasky, S., (2002). "Where are they going? A comparison of urban and rural youths' locational choices after leaving the parental home", *Social Science Research* 31(3):409-431.
- Hecktner, J. M. (1995). "When moving up implies moving out: Rural adolescent conflict in the transition to adulthood". *Journal of Research in Rural Education*, 11(1): 3-14.
- Hendry, Leo B. & Kloep, Marion (2004), "To stay or not to stay?" -That is the question, Rural youths' views on living in Scandinavia", Norsk senter for barneforskning (Norwegian Centre for Child Research).
- Howley, C. B., H. L. Harmon and G. D. Leopold (1996). "Rural scholars or bright red necks? Aspirations for a sense of place among rural youth in Appalachia". *Journal of Research in Rural Education* 12(3): 150-160.
- Johnson, K. M., G. H. Elder and M. Stern (2005). "Attachments to family and community and the young adult transition of rural youth". *Journal of Research on Adolescence* 15(1): 99-125.
- Jones, G. (1995). "Leaving home". Buckingham, UK: Open University Press.
- Jones, G. (1999). "The same people in the same places? Socio-spatial identities and migration in youth". *Sociology* 33(1): 1-22.
- Kloep, M., L. B. Hendry., A. Glendinning., J.-E. Ingebrigtsen and A. Espnes (2003). "Peripheral Visions? A Cross-cultural Study of Rural Youths' Views on Migration". *Children's Geographies* 1(1): 91-109.
- Lee, E. S. (1966). "A theory of migration". *Demography* 3:47-57.
- Long, Jame., S. Faught and C. Johnson (2012). "Roles of community satisfaction and community attachment in the out-migration of rural residents", *Journal of Management and Marketing Research* 11: 1-11.
- McMillan, D.W. and D. M. Chavis (1986). "Sense of Community: A Definition and Theory", *Journal of Community Psychology* 14: 6-23.
- Mulder, C.H., (2003). "The housing consequences of living arrangement choices in Young Adulthood", *Housing Studies* 18(5): 703-719.
- Osterman, K.F., (2000). "Students' need for belonging in the school community", *Review of Educational Research* 70 (3): 323-367.

- Panelli, R. (2002). "Young rural lives: Strategies beyond diversity". *Journal of Rural Studies* 18 (2): 113-122.
- Pretty, G., P. Bramston., J. Patrick and W. Pannach (2006). "The relevance of community sentiments to Australian rural youths' intention to stay in their home communities". *American Behavioral Scientist* 50 (2): 226-240.
- Putnam, R.D. (2000). "*Bowling Alone*", Simon & Schuster, New York.
- Stimson, R. J. and J. Minnery (1998). "Why people move to the "Sun-belt": A case study of long-distance migration to the Gold Coast, Australia". *Urban Studies* 35(2): 193-214.
- Stockdale, A., (2006). "Migration: pre-requisite for rural economic regeneration?", *Journal of Rural Studies* 22(3): 354-366.
- Theodori, A., G. L. Theodori (2014). "Perceptions of Community and Place and the Migration Intentions of At-Risk Youth in Rural Areas", *Journal of Rural Social Sciences*, 29(1):103-121.
- Thissen, F., J.D. Fortuijn., D. Strijker and T. Haartsen (2010). "Migration intentions of rural youth in the Westhoek, Flanders, Belgium and the Veenkoloniën, The Netherlands", *Journal of Rural Studies* 26 (4): 428-436.
- Trelle, E. M., V. H. Bettina and P.Huigen (2012). 'It's good to live in Järva-Jaani but we can't stay here': Youth and belonging in rural Estonia, *Journal of Rural Studies* 28 (2): 139-148.